نگاهی به عملکرد خائنانه منافقین در جنگ تحمیلی
در گفت‌وگوی «جوان» با یک محقق حوزه دفاع مقدس

تو هم پشتوانه مردمی منافقین را به مهلکه مرصاد کشاند

■ علیرضا محمدی

منافقین در روزهای اخیر چند ضربه اساسی را متحمل شدند. ابتدا خبر وخامت حال مریم عضدانلو (رجوی) خبری ناامید کننده برای آنها بود. سپس با حمله پلیس فرانسه به یکی از ساختمان‌های جاسوسی شان در پاریس و ضبط مقادیری اسناد، سلاح و همچنین بازداشت سه نفر از نیروهای نفاق، ضربه دوم را خوردند و نهایتاً آزادی حمید نوری از زندان سوئد، خبر شوکه کننده‌ای بود که منافقین را تا حد جنون آزار داد. اما سازمان نفاق در طول دوران دفاع مقدس خیانت‌های بسیاری به مردم کشورشان انجام دادند که در گفت‌وگو با رضا میرزایی از رزمندگان و کارشناسان حوزه دفاع مقدس مروری به خیانت‌های این سازمان در جنگ تحمیلی می‌اندازیم.

چطور شد سازمان منافقین بعد از پیروزی انقلاب سر ناسازگاری با مردم و انقلاب برداشت؟

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، منافقین خودشان را صاحب انقلاب می‌دانستند. یک حس برتری‌بینی نسبت به دیگران داشتند و بیشتر داخل سازمان خودشان را می‌دیدند و توجهی به دیگران نداشتند. ضمن اینکه آنها دنبال کسب قدرت بودند و می‌خواستند امور را در اختیار بگیرند. برای کسب قدرت به هرچیزی چنگ می‌زدند. همین قدرت خواهی امثال رجوی‌ها باعث اصطکاک آنها با دیگران می‌شد. بعد از انقلاب، رجوی کاندیدای ریاست جمهوری شده بود. منتها حضرت امام گفتند کسانی که به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رأی مثبت نداده‌اند صلاحیت ندارند و به این ترتیب رجوی از دور انتخابات کنار گذاشته شد. از همان زمان آنها سرناسازگاری گذاشتند.

اوایل انقلاب منافقین در جذب افراد خیلی فعال بوده و طرفدارهای زیادی هم برای خود دست و پا کرده بودند، علت این امر چه بود؟

نفاق یک سازمان منسجم بود. آنها کار تشکیلاتی را خوب انجام می‌دادند و هدفمند به سمت جذب افراد پیش می‌رفتند. شعارهای جذابی هم برای خودشان انتخاب کرده بودند. مثلاً می‌گفتند هدف ما «مبارزه با امپریالیسم امریکا» است. خب همه می‌دانستند که امریکا مدافع رژیم شاه بود و احساسات ضد امپریالیستی که آن زمان در ایران موج می‌زد، همین‌ها باعث جذب جوان‌ها به این گروهک می‌شد. منتها خود منافقین بعد از فرار رجوی از ایران به فرانسه که در بلوک غرب قرار داشت پناه بردند و بعد تمام قد در خدمت امریکا و کشورهای غربی قرار گرفتند.

۳۰ خرداد سال ۶۰ شمشیرها از رو بسته شد و منافقین دست به عملیات مسلحانه زدند. از آن به بعد وضعیت آنها در ایران چطور پیش رفت؟

در خرداد ۶۰ و به بهانه عزل بنی صدر، منافقین قیام مسلحانه یا «میلیشیا» انجام دادند که خیلی زود شکست خوردند و به خانه‌های تیمی پناه بردند. از همان زمان تصور عجیبی داشتند و فکر می‌کردند بدنه مردم با آنها هستند. منتها در قیام مسلحانه از طرف همین مردم شکست خوردند. بعد چون علنی نمی‌توانستند کاری انجام دهند، در خانه‌های تیمی سازماندهی شدند و به حربه ترور روی آوردند. این دوره از حیات ننگین منافقین بسیار برای کشور هزینه داشت. از ۳۰ خرداد تا ششم تیر فقط یک هفته فاصله است. در ۶ تیر منافقین با جاسازی بمب در یک دستگاه ضبط صوت به جان مقام معظم رهبری سوء قصد کردند. در آن واقعه ایشان از ناحیه دست راست جانباز شدند. بعد در هفتم تیر اقدام به انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی کردند که منجر به شهادت بهشتی و یارانش شد. هشتم شهریور ۱۳۶۰ هم دفتر نخست‌وزیری را منفجر کردند که منجر به شهادت رجایی و باهنر شد. ۱۴ شهریور آیت‌الله قدوسی دادستان کل کشور را ترور و شهید کردند. می‌بینیم که آنها ظرف دو الی سه ماه تعداد زیادی از مسئولان رده بالای کشور را یا شهید کردند یا مجروح. این ترورها با شهادت آیت‌الله مدنی، آیت‌الله دستغیب و... همچنان ادامه یافت تا اینکه حرکت گسترده‌ای برای کشف و از بین بردن خانه‌های تیمی انجام گرفت.

خانه‌های تیمی چطور کشف شدند؟

بعد از اینکه آمار ترورها بالا رفت، اقداماتی برای تأمین امنیت مسئولان صورت گرفت و همچنین با همکاری مردم و گزارش‌هایی که می‌رسید، خانه‌های تیمی منافقین یکی بعد از دیگری شناسایی شدند. سپس در ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ نیروهای سپاه با همکاری مردم توانستند محل اختفای کادر فرماندهی منافقین را در محله زعفرانیه تهران کشف کنند. در آن خانه تعداد زیادی از سران منافقین حضور داشتند. درگیری خانه زعفرانیه چند ساعت طول کشید و نهایتاً ۲۳ نفر از سران نفاق از جمله موسی خیابانی، همسرش، اشرف ربیعی (همسر اول مسعود رجوی) کشته شدند و ضربه اساسی و سختی به منافقین وارد آمد.

> بعد از اینکه آمار ترورها بالا رفت، اقداماتی برای تأمین امنیت مسئولان انجام گرفت و همچنین با همکاری مردم و گزارش‌هایی که می‌رسید، خانه‌های تیمی منافقین یکی بعد از دیگری شناسایی شدند. سپس در ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ نیروهای سپاه با همکاری مردم توانستند محل اختفای کادر فرماندهی منافقین را در محله زعفرانیه تهران کشف کنند

یکی از خیانت‌های منافقین به مردم کشورمان پناه بردن آنها به دامان صدام بود. کسی که به ایران حمله کرده و باعث شهادت هزاران نفر از هموطنان‌مان شده بود. سازمان نفاق چرا و چطور به عراق رفت؟

قبلاً عرض کردم که منافقین و خصوصاً اشخاصی مثل مسعود رجوی به شدت دنبال کسب قدرت بودند و برای رسیدن به این هدف هرکاری می‌کردند. بعد از آنکه رجوی به فرانسه فرار کرد مدتی در همکاری با بنی صدر و دیگر گروه‌های معاند با نظام، شورای ملی مقاومت را تشکیل دادند. منتها رجوی به این موضوع راضی نبود و خودش را برتر از دیگران می‌دانست. عجله هم داشت که سریع به قدرت برسد، بنابراین مذاکراتی با بعثی‌ها داشت و نهایتاً تصمیم گرفت در سال ۶۵ به عراق برود. او ۱۷ خرداد ۶۵ وارد فرودگاه بغداد شد. چند روز بعد هم با صدام ملاقات کرد. همزمان تعدادی از منافقین از اروپا و امریکا به عراق منتقل شدند. سپس پادگان اشرف را در شمال بغداد ایجاد کردند. نام این پادگان از روی نام اشرف ربیعی همسر معدوم رجوی انتخاب شده بود. یک سال بعد رجوی ارتش آزادی‌بخش ملی را تأسیس کرد. به زعم خودش این ارتش می‌خواست نظام اسلامی را سرنگون کند. آنها از همان زمان وارد جنگ علنی با رزمندگان و ملت ایران شدند. آن هم دوشادوش بعثی‌ها که از سال ۵۹ به خاک کشورمان تجاوز کرده بودند. تا مرداد ۶۷ آنها بیشتر از صد عملیات در جبهه‌ها و علیه ایران انجام داده بودند.

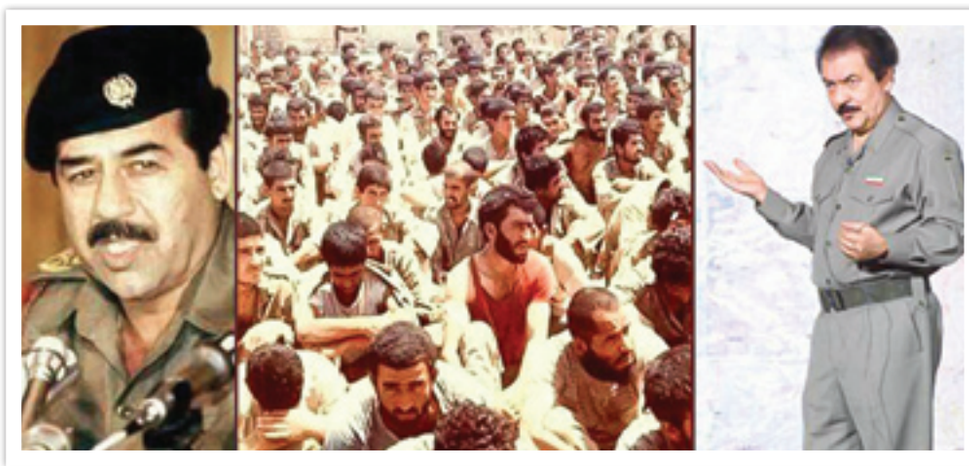

> رجوی در برآوردهایش می‌گفت مردم از نظام اسلامی خسته شده‌اند و به محض اینکه ما پای‌مان به ایران برسد، با ما همراهی می‌کنند و ما فقط باید سیل مشتاقانی را که آمده‌اند با منافقین همراهی کنند مدیریت کنیم

غیر از رویارویی علنی با رزمندگان، منافقین در نقش ستون پنجم بعثی‌ها هم حاضر می‌شدند.

همین طور است. آنها اغلب در پوشش رزمنده بین بچه‌ها نفوذ می‌کردند و اطلاعات جبهه‌های ایران را به عراقی‌ها می‌دادند. خیلی از عملیاتی که لو می‌رفت، حاصل خیانت منافقین بود. حتی اسرای ایرانی هم در اردوگاه‌های دشمن از دست منافقین در امان نبودند. در بازجویی از اسرا، شکنجه آنها، دستکاری در نامه اسرا به خانواده‌ها یا بالعکس، جاسوسی از بین آزادگان و بسیاری از کارهای کثیف دیگر که نیروهای این سازمان حاضر شدند برای بعثی‌ها انجام دهند.

چند سال پیش که با شما گفت‌وگویی انجام داده بودیم، خاطره‌ای از یک نفوذی منافقین در میان بچه‌های سپاه همدان تعریف کردید؛ یک مورد مصداقی از خیانت منافقین.

بله، آن شخص که شما گفتید اسمش وحید حاجیلو بود که در امور فرهنگی سپاه همدان مسئولیت داشت و نفوذی منافقین بود. او عملیات رجایی و باهنر را لو داد. در آن عملیات خود حاجیلو شرکت کرد و اتفاقاً مجروح هم شد. کمی بعد در تهران اسنادی به دست آمد که نشان می‌داد او منافق است. آمدند و او را بردند و شنیدم که اعدام شده است. حدود ۶۲ نفر از بچه‌های اولیه سپاه همدان در این عملیات به شهادت رسیدند. خیانت حاجیلو یک مورد از خیانت‌های منافقین است که من شاهد آن بودم.

منافقین در عملیات مرصاد سزای خیانت به کشورمان را گرفتند. منتها چرا آنها باید چنین اشتباه مهلکی را انجام می‌دادند؟

رجوی در برآوردهایش می‌گفت مردم از نظام اسلامی خسته شده‌اند و به محض اینکه ما پای‌مان به ایران برسد، با ما همراهی می‌کنند و ما فقط باید سیل مشتاقانی را که آمده‌اند با منافقین همراهی کنند مدیریت کنیم! قبل از آغاز حرکت منافقین به سمت مرزها و ورودشان به ایران، رجوی سخنرانی پرشوری انجام داد که مرتب با کف زدن و تشویق نیروهایش همراه بود. در آن جلسه فقط یک خانم دستش را بلند کرد تا توضیحاتی بدهد. (مشخص نیست که مورد آن خانم از قبل هماهنگ شده بود یا نه). رجوی با نگاهی به جمعیت حدوداً ۵هزار نفری هوادارانش به آن زن اشاره کرد اگر صحبتی دارد بیاید پشت تریبون و حرف‌هایش را بزند. آن خانم رفت پشت بلندگو و گفت همسرم از اروپا آمده و خودم هم چهار ماه پیش از ایران آمده‌ام. آنجا مردمی را دیدم که فکر نمی‌کنم بخواهند با ما همراهی کنند. اینکه ما برویم و به ما بپیوندند، من اینطور فکر نمی‌کنم. رجوی می‌گوید: «تو درست می‌گویی! منتها من الان تو را قانع می‌کنم و بعد می‌گوید که دیده‌های تو مربوط به چهار ماه پیش است و الان اوضاع تغییر کرده. سختی ما تا رسیدن به کرمانشاه است و به آنجا که رسیدیم، اعلام حکومت موقت می‌کنیم و مردم دسته دسته به ما می‌پیوندند. بعد هم با مدیریت آنها، مثل شهاب تا تهران پیش می‌رویم.» او چنین دیدگاه غلطی داشت و با القای آن به نیروهایش همگی را به ورطه هلاکت فرستاد و حداقل نیمی از افرادی که آن روز به حرف‌های رجوی گوش می‌دادند، در عملیات مرصاد کشته، مجروح و اسیر شدند.

خاطره

تورقی در کتاب «سیر جنگ ایران و عراق»

چند واقعیت درباره ادامه جنگ پس از آزادی خرمشهر

■ در کتاب سیری در جنگ ایران و عراق به قلم محمد درودیان به دلایل ادامه جنگ تحمیلی پس از فتح خرمشهر اشاره شده است. متن زیر برگرفته از این کتاب است که با هم می‌خوانیم.

■■■

پس از فتح خرمشهر، دست‌اندرکاران جنگ، طراحی عملیات رمضان را در دست داشتند، اما بحران تجاوز رژیم اشغالگر قدس به جنوب لبنان در سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲ م) اذهان را متوجه این کشور کرد. از سوی دیگر پیش‌بینی می‌شد جای پا و حضور مناسبی که برای ایران در لبنان ایجاد شده بود پس از حل عاجل مسئله جنگ، گسترش و توسعه خواهد یافت و انقلاب اسلامی در مرحله جدید به‌گونه‌ای جدی‌تر و اساسی‌تر با رژیم اشغالگر قدس و امریکا درگیر شود.

نگرش یاد شده به مسائل لبنان و از طرفی فروکش کردن تب‌وتاب اجرای عملیات در جبهه‌ها آن هم در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی و در خاک عراق و به‌ویژه پس از فتح خرمشهر، بالطبع خطرهای فزاینده‌ای را برای جنگ و انقلاب در پی داشت. به عبارت‌دیگر با این وضع بیم آن می‌رفت که ایران در دام استکبار جهانی گرفتار شود.

در این مرحله امام خمینی فرمانده کل قوا با تبیین راهبرد راه قدس از کربلا می‌گذرد، در عمل جهت اصلی تحرک‌ها و اقدام‌های اساسی جمهوری اسلامی را نشان داد.

بر این اساس و با توجه به واقعیت‌های حاصل از عملیات رمضان و پس از سه سال رویارویی با دشمن، این نتیجه حاصل شد که جنگ با ابعادی وسیع‌تر از آنچه تصور می‌شد، لزوماً باید به هر نحو ممکن به‌گونه‌ای مطلوب حل شود تا از این طریق مقدمات گسترش و توسعه انقلاب فراهم آید.

از سوی دیگر، مسائل لبنان هم با توجه به تلاش‌های سپاه پاسداران و ارتباط تنگاتنگ مسلمانان لبنان با انقلاب اسلامی در عمل زمینه‌های نوع خاصی از حضور انقلاب اسلامی در مقابل رژیم اشغالگر و استکبار جهانی و حفظ جای پایی برای یک موقعیت مناسب را فراهم آورد.

■ دلایل ورود به خاک عراق

گذشتن از مرزهای بین‌المللی و ورود به خاک دشمن پس از دفع تهاجم او، امری بود که از نظر اعتقادی برای نیروهای رزمنده ابهامی در بر نداشت، زیرا عقب‌نشینی سراسری دشمن در پی شکست‌های سنگینی که متحمل شده بود و به‌منظور معطل کردن ایران و ایجاد شرایط نه جنگ، نه صلح و حاکم کردن وضعیت فرسایش بر جنگ صورت گرفته بود.

لزوم حفظ و گسترش ابتکار عمل و برخورداری از روحیه تهاجمی برای اعاده حقوق جمهوری اسلامی، شرایطی بود که ادامه جنگ و ورود به خاک عراق را توجیه می‌کرد و ازاین‌رو در آن مقطع دلایل زیر برای ورود به خاک عراق از راه‌های مختلف مطرح می‌شد:

۱. پس از تجاوز رژیم اشغالگر قدس به جنوب لبنان و عقب‌نشینی سراسری عراق از منطقه‌های اشغال‌شده، کشورهای مرتجع منطقه، موقعیت خود را مغتنم شمردند و طی نامه‌هایی که با مسئولان جمهوری اسلامی تبادل کردند، در عمل درصدد برآمدند حقوق حقه جمهوری اسلامی را نادیده بگیرند و به موقعیت برتر ایران اعتنا نکنند. ورود به خاک عراق در حقیقت پایان دادن به اینگونه برخوردها بود.

۲. لزوم تنبیه صدام به‌عنوان متجاوز تا بدین‌وسیله زمینه‌های هرگونه تجاوز به مرزهای جمهوری اسلامی در آینده از میان برداشته شود.

۳. راهبرد راه قدس از کربلا می‌گذرد بر تداوم عملیات تا حل نهایی مسئله جنگ تکیه داشت و به‌طور تلویحی این نکته را هم مطرح می‌کرد که انقلاب اسلامی از این طریق می‌تواند زمینه برخورد جدی با غرب و مبارزه با رژیم اشغالگر قدس را فراهم کند.

۴. با توجه به اینکه برنامه‌های مطلوب غرب، متوقف کردن نیروها پشت مرزها بود، این توقف جز گرفتار شدن ایران در یک دام معنای دیگری نداشت. افزون بر این دشمن پس از عقب‌نشینی با فرصت سه ماهه‌ای که به دنبال حمله رژیم اشغالگر قدس به جنوب لبنان به دست آورد، مناسب‌ترین خطوط پدافندی را در نوار مرزی با اتکا بر عوارض طبیعی ایجاد کرد و در نتیجه در بسیاری از نقطه‌ها، خطوط جدیدی که بر نیروهای اسلام تحمیل شد، برای پدافند مناسب نبود و بالطبع آسیب‌پذیری آنها را در پی داشت.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۰۵۸

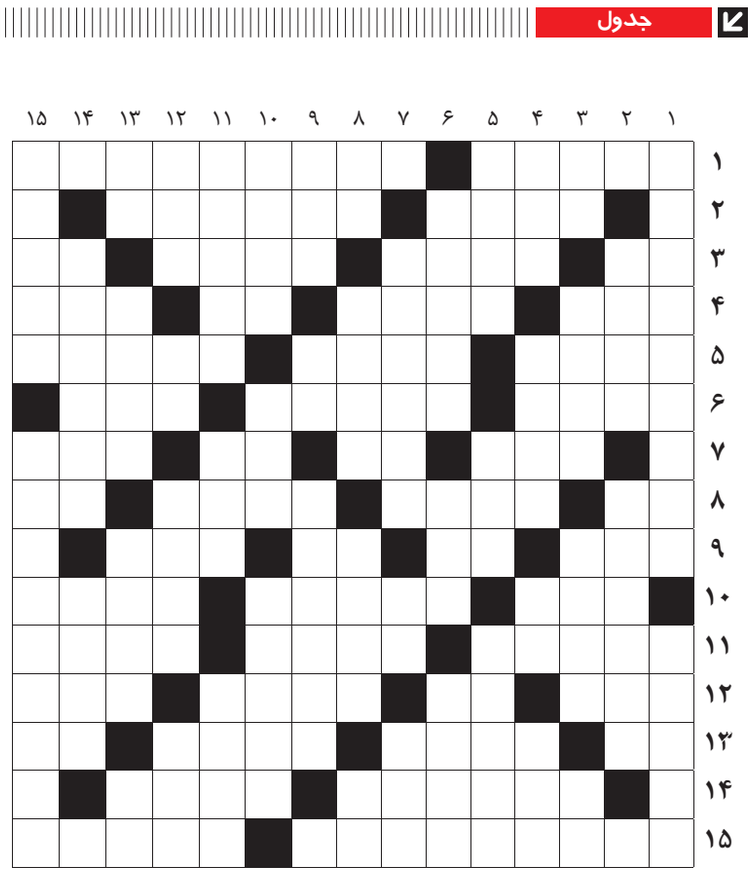

از راست به چپ

■ ۱- از نام‌های پیامبر اسلام در قرآن- حضرت محمد(ص) آن را نیمی از معیشت برشمرده‌اند ■ ۲- کم‌شدن- نمک می‌خورند و می‌شکنند ■ ۳- ابر غلیظ- صفت سیب‌زمینی- جانشین- شهر بی دفاع ■ ۴- مرد بی زن- راضی به قسمت- تکیه بر پشتی- چینه دیوار ■ ۵- غده بادامی‌شکل انتهای گلو- از علوم حوزوی- دشمن درآمد ■ ۶- کتاب زکریای رازی در طب- شمارگان- نوعی آچار ■ ۷- صداوآواز- نماد لاغری- پسوند خوراک- وقت و زمان معین ■ ۸- صدمتر مربع- از وسایل سفره عقد- قلیل- علامت جمع ■ ۹- میان- راندن مزاحم- حیوان بدبیاری- دوستی ■ ۱۰- نقره- هنر مردان خدا- دومین شهید محراب ■ ۱۱- قدردانی- کتاب ژان پل سارتر- مردن بر اثر حادثه ■ ۱۲- گرم و سوزان- همسایه تهران- از گیاهان دارویی- زدن شاخه‌های اضافی درخت ■ ۱۳- رودی در فرانسه- پول کامبوج- سیماب- واحد بازی تنیس ■ ۱۴- پایتخت استرالیا- آتشفشان فعال ایسلند ■ ۱۵- روشی برای تغییر رفتار افراد ناسازگار با جامعه- کشوری گازی

از بالا به پایین

■ ۱- از نام‌های قیامت- تغییر دادن اصل کلام ■ ۲- فیلم ملاقلی‌پور- گاه با آسمان بافته می‌شود ■ ۳- سرکه- خیاطخانه- رود و کشوری در افریقا- کوچک ■ ۴- امر به یافتن- اسب میدان جنگ- علامت فعل استمراری- معدن ■ ۵- صدای خر- طولانی‌ترین رشته کوه امریکا- تکرارش صدای شکستن شیشه است ■ ۶- بدخویی- از پرتاب‌ها در ورزش دوومیدانی- خشک ■ ۷- دارایی ارزشمند؛ دفینه گرانبها- کلاه انگلیسی- دیوار بلند ■ ۸- ضمیر اشاره- خالی- روشن و تابان- حرص و طمع ■ ۹- خجستگی- نت میانی- مانعی در برابر مفاسد اجتماعی ■ ۱۰- پرخور- پیش درآمد نام پیرپاپن، مرد سال فوتبال اروپا در ۱۹۹۱- نمایش مصیبت ■ ۱۱- همنشین زن- محصول جالیزی- ستاره ■ ۱۲- دندان نیش- به دنیا آوردن- لغت و واژه- میوه باب گلو ■ ۱۳- شکم‌بند- اهرم- دلایل- اسب تبریزی ■ ۱۴- مقصر اصلی در تصادفات خیابانی- کال ■ ۱۵- از نمازهای واجب- کشور دوشنبه

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۸					۷			۱
۶				۵				۷
۹								۸
			۳		۸		۶	
		۷					۱	
		۲	۹				۵	
	۵			۲	۶			
						۴		
۲	۱				۹	۳		

۶	۸	۹	۴	۲	۷	۷	۱	۲
۷	۲	۲	۲	۷	۱	۶	۴	۸
۴	۷	۱	۶	۲	۸	۲	۷	۲
۲	۷	۷	۲	۸	۴	۲	۶	۱
۲	۱	۴	۷	۶	۲	۸	۷	۹
۷	۲	۷	۲	۲	۶	۱	۸	۴
۸	۴	۲	۱	۷	۲	۷	۴	۶
۱	۲	۶	۸	۴	۲	۷	۲	۷

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۰۵۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	د	ا	ن	ش	■	ت	ب	ا	ر	■	ا	م	ک	ا	ن
۲	س	ه	ا	م	ع	د	ا	ل	ت	■	خ	ر	ا	ف	ه
۳	ت	و	■	ن	ا	ر	و	ن	■	م	ت	د	■	ر	ی
۴	ا	ر	س	■	م	ی	ر	■	پ	و	ل	■	س	ی	ب
۵	ن	ا	و	د	ی	س	■	و	ی	ت	ا	م	ن	ن	■
۶	■	■	ر	ی	ا	■	ک	ف	ش	■	ل	ی	و	ن	ل
۷	ت	ک	■	ه	ن	د	و	ا	ه	■	خ	ن	ا	س	
۸	پ	ر	م	■	ه	م	ه	■	ه	و	ا	■	د	م	ا
۹	س	و	ا	ل	■	ر	ن	ج	ا	ن	د	ن	■	ه	ن
۱۰	م	م	ل	و	ک	■	و	ر	د	■	م	ی	ن	■	■
۱۱	■	ا	خ	ت	ی	ا	ر	ی	■	ا	ک	ت	س	ا	پ
۱۲	ف	ن	ر	■	ک	و	د	■	ک	ن	ش	■	ا	ج	ر
۱۳	ی	ی	■	ع	ا	ر	■	م	ر	ت	ه	ن	■	م	ا
۱۴	ب	و	ر	د	و	■	پ	ن	ج	ه	ا	ف	ت	ا	ب
۱۵	ا	ن	د	ل	س	■	ر	و	ی	ا	■	ت	ی	ل	ر